

گزارش «جوان» درباره اقتصاد هنر در گفت‌وگو با سعید صادقی، عکاس پیشکسوت دفاع مقدس

# شائبه‌ای به نام دست‌نامرئی اقتصاد بر هنر

غلبه مسائل مالی و اقتصادی در حراج تهران از آن دست وریکردهایی است که مخالفان و موافقان جدی دارد و هر کدام استدلال‌های خودشان را مطرح می‌کنند. اینگونه موضع‌گیری‌ها از نخستین دوره برگزاری حراج تهران با عنوان «هنر مدرن و معاصر ایران» در خرداد۱۳۹۱ تا امروز ادامه دارد. اقتصاد هنر همواره مسئله‌ای چالش‌آفرین بوده است، آن هم در عرصه‌ای که هنر با واژه تعهد پیوند می‌خورد اما وقتی اقتصاد سوار بر هنر شود، وارد حیطه‌ای می‌شویم که انگار قرار است تمثیت‌امر هنر را به دست‌نامرئی اقتصاد بسپریم. بر همین اساس برخی منتقدند حراج تهران از فرهنگ لیبرالی غرب وام گرفته است که ضررهای بلندمدتی برای هنر کشورمان دارد، در مقابل افسرد دیگری مدعی هستند مخالف‌ها با حراج تهران به خاطر حسدات و نشناختن ابعاد اقتصاد هنر است! و موافقان آن را برای تقویت و رونق جریان اقتصادی هنر مفید می‌دانند. در چند دوره اخیر آثار برخی هنرمندان و چهره‌های فرهنگی که آثار آنها در دایره هنر انقلابی قرار ، در رویداد حراج تهران حاضر بوده‌اند. اینکه اساساً حضور چنین آثاری جقدر می‌تواند به رویکرد هنر انقلاب کمک کند، خود یک سؤال جدی و مهم است.

■ **مخالفان و موافقان**

مسعود فراستی از چهره‌های شناخته‌شده حوزه سینما از جمله کسانی است که نسبت به مقوله حراج تهران نظر مثبتی ندارد و می‌گوید: «من متوجه نمی‌شوم در مملکتی که خط فقر آن به ۹میلیون تومان رسیده است، چگونه در یک سالن کوچک ۱۵۰ میلیارد تومان برای اثری مثلاً هنری رد و بدل می‌شود؟ در حالی که هیچ کدام هم هنری نیستند. پولش را عده‌ای می‌گیرند و هنرمندرا لالت دست کرده‌اند. واقعاً قاعه است. از یک جوان شهرستانی این اثر را به ۱۰میلیون و ۱۰۰میلیون می‌خرند بعد ۲۰۰میلیون می‌فروشند. پس کنبد این مسخره‌جاری‌ها!»

گروه دیگری از مخالفان معتقدند اتفاقاتی مثل حراج تهران را نمادی از دیدگاه‌های لیبرالیستی و سرمایه‌داری در جهان می‌دانند که اساساً به دنبال اصالت‌بخشیدن به میانی‌فکری مادی گرواگرانه است و از نظر بنیادی با نوع نگاه اسلامی به مقوله هنر و هنرمند تناقض آشکاری دارد و نباید هر اتفاقی را که در غرب یا کشورهای با دیدگاه‌های مای‌ریالیستی و لیبرالیستی جزو مظاهر مختص آنهاست کپی و در کشورمان اجرا کنیم و این مسئله به «اقتصاد هنر» کمک می‌کند.

یکی از موافقان برگزاری چنین محافلی سجاد باغیان‌ماهر، استاد دانشگاه هنر اصفهان و مدیر گالری سربازان است که می‌گوید: «اکثریت افرادی که در جامعه و در فضای محسوب می‌شود، قیمت‌گذاری حراج می‌پردازند، آشنایی کاملی با هنرهای مدرن اصلاً نخبه‌گرایانه و عوام‌گریز است و این مهم‌ترین ویژگی هنر مدرن در ادبیات، موسیقی یا هنرهای تجسمی است. در هنر مدرن آثاری خلق می‌شود که خیلی سریع و راحت توسط عامه مردم قابل درک نیست، البته منظور از عوام، تحصیل نکره در نیست بلکه افرادی است که در حوزه‌های غیر از هنرهای تجسمی فعالیت می‌کنند.»



**قطعا ایجاد جایی برای خرید و فروش آثار هنر مندان منطبق با فرهنگ و قوانین کشورمان یک امر مقبول و پذیرفته‌شده محسوب می‌شود اما لازمه این کار طراحی و تدوین مسیر و قوانینی است که جلوی سوءاستفاده افسراد و جریانات مشکوک در آن مسدود باشد**

نکته‌ای که برخی از مخالفان حراج تهران به آن اشاره می‌کنند و در لابه‌لای جملات این استاد دانشگاه وجود دارد، اتهام عدم‌درک مردم از هنر است، چه اینکه لزوماً مینبای خرید و فروش آثار در محافلی مثل حراج تهران زیبایی‌شناسی هنر مدرن نیست، همانطور که خریدار این آثار الزاماًفرد نخبه و مسلط بر مباحث زیبایی‌شناسی هنر نیستند! منصوره بشیری‌پور، فعال و کارشناس اقتصاد هنر بر عکس استاد دانشگاه هنر اصفهان معتقد است مؤلفه‌های مثل شهرت هنرمندانست که می‌تواند بر قیمت‌گذاری آثارش تأثیر داشته باشد، نه لزوماًارائه اثری سرشار از زیبایی‌شناسی نخبه‌گرایانه!

این کارشناس اقتصاد هنر می‌گوید: از آنجا که حراج بازار ثانویه محسوب می‌شود، قیمت‌گذاری در آن بر اساس گذشته هنرمند، قیمت آثار او در بازارهای اولیه و قیمت آثار او در حراج‌های گذشته است. این موضوع چیزی نیست که هنرمندان بخواهند به آن انتقاد کنند. در اینجا بحث عرضه و تقاضاست، بنابراین اگر برای کاری تقاضا وجود نداشته باشد، آن کالا به فروش نمی‌رسد. حراج جای ارائه آثار هنرمندی که کسی او را نمی‌شناسد، نیست. یک هنرمند تا نتواند در فضای گالری تهران خود را تثبیت و مقاضی پیدا کند، حراج پرایش

معنی پیدانمی‌کند.

هر چند نظر این کارشناس اقتصاد هنر هم می‌تواند به عنوان یکی از علت‌های ناقصه در بحث حراج آثار هنری محسوب شود، ولی قطعاً نمی‌تواند علت تامه فروش یک اثر هنری و خرید آن از سوی خریدار تلقی شود. چه اینکه برای خرید یک اثر هنری از سوی خریدار مؤلفه‌های متعددی از جمله شهرت هنرمند، محتوا و موضوع اثر و مرعات چارچوب‌های هنری تأثیر گذار و مهم است.

■ **تکلیف هنرمندان یا حراج تهران**

صرف‌نظر از نوع نگاه کارشناسان در رابطه با مضار و منافع مقوله‌ای مثل حراج تهران، برخی هنرمندان انقلابی که تعدادی از آثارشان در ادوار مختلفه این حراج به فروش رفته با اصطلاحاً چکش خورده‌اند، حرف‌ها و نظرات دیگری دارند که به نظر می‌رسد می‌توان از آن به «خط سوم» تعبیر کرد. در واقع آنها نه به نگاه هنر نخبه‌گرایانه سرشار از زیبایی‌شناسی توجه دارند و نه حواشی دیگر، شاید اندکی خودخوانده باشد ولی بسیاری از این افراد که به دلیل بی‌توجهی مسئولان به خدمات بی‌دریغ آنها به هنر و کشور و ناتوانی در رفع کردن بدبختی‌ترین نیازهای زندگی‌شان، زندگی معسر و سختی را سپری می‌کنند، فروش آثارشان را نوعی درآمد قلمداد می‌کنند که می‌توانند از طریق آن معیشت خانواده‌شان را تأمین کنند! هنرمند و عکاسی مثل سعید صادقی که بیشتر عمر جوانی‌اش را در دوران دفاع مقدس به عنوان عکاس خبر نگار مشغول ثبت تصاویر تاریخی در آن بر اساس گذشته هنرمند، قیمت آثار او در بازارهای اولیه و قیمت آثار او در حراج‌های گذشته است و حالا در روزگار بازنشتستگی و بی‌ری هیچ کس یادی از او نمی‌کند و هیچ کدام از مسئولان سراغی از او و نحوه گذران زندگی‌اش نمی‌گیرند، مجبور است از فروختن فریبه‌های افتخارآمیزش از روزگار جوانی درباره پایمردی مردم کشورش در روزگار جنگ و سختی دفاع کند! سعید صادقی تاکنون تجربه حضور در چند دوره حراج تهران را داشته و در شانزدهمین دوره آن نیز با عکسی

## فرهنگی



از روز آزادی خرمشهر حاضر است در دوره هشتم این حراج با فروش ۵۵میلیون تومانی عکسی از «عملیات کربلای ۵» برای نخستین بار موجب شود آثار عکاسی وی با اقبال روبرو شوند که تا پیش از آن اتفاق نیفتاده بود. بعد از این اتفاق بود که پای عکاسان دفاع مقدس هم به حراج تهران باز و روندی معمول تبدیل شد.

صادقی که روزگاری در روزنامه جمهوری اسلامی عکاسی می‌کرده و همراه شهید غلامحسین افشردی(حسن باقری) جزو اولین گروه عکاس-خبرنگاران اعزامی سه جبهه‌ها بوده است، در گفت‌وگو با خبرنگار «جوان» درباره حراج تهران و مباحث پیرامون آن می‌گوید: الان سال‌هاست از اتمام جنگ می‌گذرد و افرادی بر اساس ریاکاری و تزویر به منافع مادی دست پیدا کرده‌اند، این افراد در همان دوران دفاع مقدس فقط به قاعده یک نوک زدن به جبهه رفته بودند ولی بعدها منافع سی‌وچند عملیات حضور داشتم بپرسد، برای این انقلاب و مملکت چه خدمتی انجام داده‌ای؟! همین امروز هم زندگی کسانی از سوی دشمنان در خطر است که به این نظام خدمت می‌کنند. کسی نیامد بپرسد که سعید صادقی چه خدمتی به این انقلاب کرده‌است؟! امثال شماها هیچ مرتب بر این مانگرفتید که زندگی‌مان و نیازهای معیشت خانواده‌مان چگونه تأمین می‌شود؟! خوب حالا یک جایی مثل حراج تهران مثلاً با انتخاب یکی از عکس‌های من به آن گالری‌داری که ضمن شناسنامه‌دار کردن هنر جنبه اقتصاد و هنر را شکل می‌دهد، یادآوری می‌کند که این کشور با مجاهدات و ایثار چه کسانی و چه جوانانی و باچه شرایطی ساخته شده‌است! این امر و آرامش امروز که در سافت این می‌توانیم به خرید و عرضه آثار هنری بپردازیم، حاصل حماسه ملی این چهره‌هاست. این عکس‌های من به نوعی مره بودند و اگر انتخاب نمی‌شدند، همچنان زیر غبار فراموشی می‌ماندند! این کارها باعث می‌شود خون تازه‌ای در بدن هنر و هنرمند

به جریان بیفتد.

این عکاس پیشکسوت دوران دفاع مقدس در رابطه با نظر مخالفان حراج تهران اظهار می‌دارد: به نظرم اینکه عده‌ای می‌گویند این حراج از مظاهر غرب است و می‌خواهد روی هنر قیمت بگذارد، فقط از روی حسدات است! ما با آقای چلیپا و گودرزی‌دیپاج و بقیه دوستان که در حوزه هنری رشد پیدا کرده‌ایم، در این حراج حضور داریم، این اتفاق آنچه برای من جدی نبوده را جدی‌تر و دنیای من را زنده می‌کند. من از سال ۱۳۹۴ که با دوستان حراج تهران آشنا شده‌ام با برخی از این افراد (مخالفان) صحبت کرده‌ام اما چیزی تحت عنوان پولشویی ندیده‌ام! بلکه اتفاقی که افتاد این بود که من عکاس جنگ را از تحقیر نگاه کسانی که به دنبال منافع‌شان بوده و هستند، نجات داد. در گذشته هم همین جور بوده که یک عده پاسبان جیب‌شان بودند و یک عده پاسبان حقیقت. من در قبال یک اتفاقی که برای یک نسل در بخشی از تاریخ کشورمان افتاده پاسبایی و حقیقت آن روزها را ثبت کردم. من که به کشور خود وفادار بودم و به خاطر اهمیت ندادن مسئولان فرهنگی سال‌های زیادی را در فراموشی سپری کرده‌ام، چند سال است که هنر عکاسی من توسط حراج تهران دیده و ارزش‌گذاری می‌شود و احساس زنده بودن می‌کنم.

صادقی در ادامه می‌افزاید: جریان حراج تهران یک نوع نگاه مترقی و متفاوتی به جریان هنر دارد و هنرمندانی که در آن آثارشان به فروش می‌رسد، وقتی باهم صحبت می‌کنیم، می‌بینیم که این اتفاق نه تنها تقدیر از هنرمندانست بلکه حتی یک ساختار هویتی هم در جهت وطن‌دوستی معنا و شکل می‌دهد. این اتفاق ما را از بستوی فراموشی بیرون می‌آورد و زمینه‌ار تباط بین هنرمند و گالری‌دار می‌شود و هویت می‌دهد، هویتی که سی‌وچند سال پیش و به خاطر عملکرد مظالم‌انه برخی مسئولان تعطیل شده‌است. این امر باید بگوییم که من معتقدم کسی که اثر را می‌خرد، اولا مجبور به چنین کاری نشده‌است، ثانیاً برای آن پول پرداخت می‌کند، بنابراین در خرید یک اثر حتماً ملاک‌هایی دارد.حراج تهران جان‌بخبرگرفته‌امثال سعیدصادقی را دوباره زنده می‌کند و هویت می‌بخشد! اگرچه هنرمندان زیادی همچون سعید صادقی وجود دارند که از بد حادثه و به خاطر ضیق شدن حلقه معیشت و زندگی‌شان که نتیجه کم‌کاری و نگاه غیرمسئولانه مدیران فرهنگی و هنری کشورمان است، به محافلی مانند حراج تهران نگاه می‌کنند. کسب‌گونه و درآمدآفرین دارند اما واقعیت‌های مرتب بر این فضاها مظاهر وارداتی از غرب نسبت به فرهنگ، کشور و هنرمندان مان مانند شیوع سیلی است که وقتی همه جا را ویران می‌شود اما لازمه این کار طراحی و تدوین مسیر و قوانینی است که جلوی سوءاستفاده‌افراد و جریانات مشکوک در آن مسدود باشد.

سینما



## نگاهی به تاریخچه سانسور در سینمای ایران

بود. برای مثال در بند ۱۳قانون سینما، نمایش «انقلابات سیاسی در تمامی کشورها که منجر به تغییر رژیم سلطنت گردد» ممنوع شد.

■ **سانسورهای مضحک در دهه ۳۰**

در دهه ۳۰ سانسور سیاسی در سینمای ایران به شدت افزایش می‌یابد، برای مثال در فیلم «موسیو بوکر» صحنه ترانژیدن ریش شخصیت پادشاه فیلم «کریستف کلمب» سانسور می‌شود!در «کریستف کلمب» صحنه‌ای که نقش اصلی فیلم به پادشاه اسپانیا حمله‌ور می‌شود به کلی حذف شد! صحنه قتل سزار در فیلم «زول سزار» ساخته جوزف مندیوکیج سبب توقیف طولانی فیلم شد. مهم‌ترین حساسیت سانسورگران در دوره پهلوی به فیلم‌هایی بود که گمان می‌رفت از نظر سیاسی تحریک کننده باشند. برای مثال فیلم «موسیو بوکر» تا پیش از انقلاب در توقیف ماند؛ یکی «هتزد الجزایر»، ساخته جیلوپولته کورو که داستان قیام مردم الجزایر در این سال‌ها و تولید فیلم از اسفند۱۳۲۵ در این سال‌ها جدی‌تر دنبال شد. در دوره کوتاهی اداره تبلیغات وزارت کار، مسئول نظارت و ممیزی بر سینمای ایران می‌شود، ولی در اواسط دهه ۴۰ این مسئولیت به اداره کل نظارت و نمایش وزارت فرهنگ و هنر رژیم پهلوی محول می‌شود.



**پیچیده‌ترین مورد سانسور روی فیلم گوزن‌ها ساخته کیمیاپی اعمال فشارهای سیستم نظارتی، مسعود کیمیایی را مجبور می‌کند تا کاراکتر چریک رزمنده را به سارق بانک تغییر دهد!**

■ **اولین فیلم ناطق ایرانی، اولین سانسور سیاسی**

در حالی که مطابق قانون لایحه نمایش‌ها و سینماها قرار بود سانسور برای حذف صحنه‌های غیراخلاقی باشد، لکن اولین سانسور در فیلم ایرانی با سانسور سیاسی اولین فیلم ناطق ایرانی، «دختر ل» برابر شد. این فیلم داستان زوج جوانی به نام گلنار و جعفر است که از نامنی ایران به هند فرار می‌کنند، ولی با همسر مستقیم دربار، داستان به نحوی تمام می‌شود که در انتهای فیلم جعفر و گلنار به ایران برمی‌گردند. دلیل بازگشت آنها به ایران، در میان نویس پایانی فیلم «امنیت دوران رضا شاه کبیر» عنوان می‌شود!

پس از پایان حکومت رضاخان در شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران به دست متفقین، اتفاق شگفت‌انگیزی در مدیریت فرهنگی کشور رخ می‌دهد و مدیریت اداره نمایش وزارت کشور به یک زن امریکایی به نام «یلاکوک» واگذار می‌شود. در این دوره انتقادات بسیاری به ترویج بی‌اخلاقی در سینما و همچنین ساخت فیلم‌های ضدایرانی صورت می‌گیرد و پس از چند سال این زن برکنار و قوانین جدیدی در این خصوص تصویب می‌شود. در این دوره بیشترین تأکید روی فیلم‌های تاریخی است که به داستان سلاطین ایرانی می‌پردازد و در تمامی این فیلم‌ها، شاه موجود در فیلم شخصیتی خوب نشان داده می‌شود.

«آیین‌نامه اصلاحی سینماها و مؤسسات نمایشی» قانون جدیدی بود که برای سانسور در سینمای ایران تصویب شد. بر اساس این قانون ۱۵مورد شامل سانسور می‌شدند که اکثریت آنها مربوط به مسائل سیاسی فرهنگی مختلف یا بدرفتاریت باشد. اگر مدیران این شهر به این نتیجه رسیدند که دیگر نمی‌توانند میزان حمایت می‌کنند و هم‌افزایی مسود نظر اتفاق می‌افتد. اگر مدیران ما کمی درایت داشته باشند، بر گزار کردن این جشنواره‌ها می‌تواند متفاوت‌تر و پرحاصل‌تر باشد.
معتقدم هر جشنواره‌ای در هر شهری که برگزار می‌شود، باید در پایان بر اساس آسیب‌شناسی‌های انجام شده، درباره‌اش تصمیم گرفته‌شود که باز هم در همان شهر برگزار شود یا خیر.

**اگر مدیران این شهر به این نتیجه رسیدند که دیگر نمی‌توانند میزان**

■ **محمد صادق عابدینی**
برگزاری جشنواره فیلم کودک و نوجوان که از جمله جشنواره‌های بین‌المللی سینمای ایران است، به دلیل مسائلی از جمله ناشنخشی بودن میزبانی بامشکلانی روبرو شده است. سینمای کودک و نوجوان به دلیل اهمیت آموزشی که برای این گروه سنی دارد از حساسیت‌های بالایی برخوردار است.
امیر شهیدی عباس، کارگردان و نویسنده سینمای کودک که امسال دبیری جشنواره تئاتر کودک و نوجوان همدان را بر عهده داشت، درباره اهمیت برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان در گفت‌وگو با «جوان» تأکید کرد: می‌توان با تغییر قوانین جشنواره فیلم کودک در بخش پذیرش آثار، از کاهش اعتبار این جشنواره بین‌المللی جلوگیری کرد.

■ **امسال جشنواره تئاتر کودک را بر گزار کردید، اوضاع تئاتر کودک امسال چطور بود؟**

در جشنواره تئاتر کودک و نوجوان همدان با این مسئله روبه‌رو بودیم که می‌گفتند تئاتر دو سال تعطیل بوده است و تولیدی در این حوزه نداشته‌ایم، پس بهتر است جشنواره برگزار نشود، اما به جرت می‌توانم بگویم جشنواره‌ای که برگزار شد، جشنواره باشکوه و باکیفیتی بود. این حرف من نیست بلکه می‌توان این توصیف‌ها را بر عهده داشت، درباره اهمیت برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان در گفت‌وگو با «جوان» تأکید کرد: می‌توان با تغییر قوانین جشنواره فیلم کودک در بخش پذیرش آثار، از کاهش اعتبار این جشنواره بین‌المللی جلوگیری کرد.

■ **امسال جشنواره تئاتر کودک را بر گزار کردید، اوضاع تئاتر کودک امسال چطور بود؟**

در جشنواره تئاتر کودک و نوجوان همدان با این مسئله روبه‌رو بودیم که می‌گفتند تئاتر دو سال تعطیل بوده است و تولیدی در این حوزه نداشته‌ایم، پس بهتر است جشنواره برگزار نشود، اما به جرت می‌توانم بگویم جشنواره‌ای که برگزار شد، جشنواره باشکوه و باکیفیتی بود. این حرف من نیست بلکه می‌توان این توصیف‌ها را بر عهده داشت، درباره اهمیت برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان در گفت‌وگو با «جوان» تأکید کرد: می‌توان با تغییر قوانین جشنواره فیلم کودک در بخش پذیرش آثار، از کاهش اعتبار این جشنواره بین‌المللی جلوگیری کرد.